

سخنرانی آقای یاکوباشویلی معاون نخست وزیر و وزیر همگرایی گرجستان در دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

آقای تموری یاکوباشویلی معاون نخست وزیر و وزیر همگرایی گرجستان که به دعوت دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه به تهران آمده بود، در تاریخ ۱۳۸۷/۱۲/۱۴ تحت عنوان «گرجستان پس از جنگ تابستان ۲۰۰۸» سخنرانی نمود. در ابتدای جلسه آقای دکتر موسوی مدیرکل دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی ضمن خیر مقدم به حضار به معرفی آقای یاکوباشویلی پرداخت.

سپس آقای یاکوباشویلی سخنرانی خود را به شرح زیر بیان داشت:

ماهیت منازعه اخیر میان گرجستان و روسیه یک مسئله جدایی طلبی بوده و یک مشکل بین‌المللی به حساب می‌آید. می‌بایست در منطقه و میان کشورها و ملت‌ها همگرایی ایجاد گردد و به تمامیت ارضی کشورها احترام گذاشته شود. روسیه از جدایی طلبی آبخازیا و اوستیای جنوبی حمایت نمود. سعی و تلاش ما بر این است که برای همه روشن نماییم، این جریان یک مناقشه داخلی نبوده و موضوعی بین‌المللی می‌باشد، زیرا اگر این منازعه داخلی باشد، باید از یک سری ابزار خاص برای حل آن استفاده شود و اگر مسئله‌ای بین‌المللی و خارجی باشد، می‌بایست از ابزارهای دیگری استفاده شود. بر این اساس، در ابتدای امر این بحث از طریق وزارت همگرایی گرجستان پی‌گیری می‌شد، ولی بعداً با توجه به ماهیت آن به وزارت امور خارجه گرجستان ارجاع شد زیرا وزارت همگرایی نمی‌توانست با وزارت خارجه روسیه مذاکره نماید.

در خصوص آنچه که در ماه آگوست اتفاق افتاد دو نظر غالب وجود دارد، برخی آن را تهاجم روسیه علیه دولت گرجستان می‌دانند و گروه دیگر رهبران گرجستان را دیوانه می‌دانند که روسها را تحریک کرده‌اند. در این منازعه استفاده زیادی از نیرو و توان نظامی از سوی روسیه انجام شد و آنها از طریق دریا، هوا و با استفاده از موشک و بکارگیری جنگ الکترونیک و تبلیغات رسانه‌ای وارد عمل شدند و در حقیقت آنها تنها از سلاح اتمی و زیر

دریایی استفاده نکردند. چنین واکنشی از سوی روسیه در آن شرایط، بدون برنامه‌ریزی قبلی امکان‌پذیر نبوده است. بر اساس محاسبات ما، تعداد ۸۰ هزار نفر پرسنل نظامی، هزار تانک و هواپیمای روسیه در این عملیات شرکت داشتند که این امر نشان دهنده برنامه‌ریزی قبلی است.

اما چرا این اتفاق رخ داد؟ این یک سوال مهمی است و در این رابطه گمانه‌زنی‌های بسیاری وجود دارد. آیا شروع جنگ به منازعات شخصی میان پوتین و ساکاشویلی مربوط بوده است؟ ما می‌دانیم که پوتین همواره در روسیه دارای نقش اول می‌باشد و هم اکنون نیز نمی‌توانیم نقش وی در تصمیمات روسیه را نادیده بگیریم. در منازعه اخیر برخی استفاده آقای ساکاشویلی از کلمات غیر معمول علیه پوتین را موجب شروع جنگ دانسته‌اند. در این میان مسئله اقتصادی بسیار حائز اهمیت بوده است و روسها می‌خواستند گرجستان را تسخیر نموده و سپس بر آسیای مرکزی و قفقاز کنترل خود را تسری بخشند. در مقابل غرب و آمریکا، روسها مایل به بازگشت به اقتدار زمان شوروی و خواهان مقابله با ناتو می‌باشد.

فهرست احتمالات بسیاری برای شروع این منازعه وجود داشته است که به نظر می‌رسد این جریان ترکیبی از تمامی مسایل عنوان شده باشد. البته بازگشت روسیه به قدرت از همه مهمتر است و روسیه خواسته تا دوباره روی پای خود بایستد. روسیه می‌خواهد غرور ملی خود را ارضا نموده و به غرب نشان دهد که هنوز دارای قدرت است. ایده روسیه مبنی بر ایجاد معماری جدید امنیتی اروپا هنوز پابرجا است و توافقنامه هلسینکی و دیگر اسناد اروپایی را به چالش می‌کشاند. این در حالی است که آنها مدعی هستند، نباید یک قدرت وجود داشته باشد. این سیاست کاملاً ناقص بوده و هیچ کس به طور جدی در خصوص معماری امنیت جدید اروپا صحبت نمی‌کند. کشورهای اروپایی، چین و آمریکا صراحتاً اعلام کرده‌اند که استقلال مناطق آبخازیا و اوستیای جنوبی را به رسمیت نمی‌شناسند و حتی متحدان نزدیک روسیه همچون نیکاراگوئه به دلیل مخالفت پارلمان آن کشور، با استقلال این مناطق مخالفت نموده‌اند. به نظر می‌رسد روسیه می‌خواهد به عنوان مرکز اقتصاد منطقه باشد و اگر ما نگاهی به گذشته و حال آن کشور داشته باشیم، می‌بینیم که در ماه‌های ژوئن و ژوئیه ۲۰۰۸ بازارهای روسیه بسیار پر رونق بود و یک دلار معادل ۲۳ روبل معامله می‌شد. روسیه از رشد سریع اقتصادی برخوردار بود و ذخایر ارزی آن بیش از

۶۰۰ میلیارد دلار برآورد می‌شد. اما اکنون بازارهای روسیه ۸۰٪ سیر نزولی داشته و ارزش یک دلار معادل ۳۶ روبل است. ذخایر پولی کشور نیز کاهش یافته است. در جنگ اخیر این واقعیت مشخص شد که نیروی نظامی روسیه فرسوده و غیر حرفه‌ای است و اعتبار آن کشور حتی در میان متحدانش کاهش یافته است. شناسایی استقلال مناطق آبخازیا و اوستیای جنوبی با توجه به شرایط جدایی‌طلبی در داخل فدراسیون روسیه بر اساس اذعان خود روسها اقدامی اشتباه بوده است. روسیه از لحاظ اقتصادی با مشکلاتی بسیار روبرو است و این سؤال مطرح می‌شود که آیا این کشور می‌تواند همانند سال ۱۹۹۸ این مشکلات را پشت سر بگذارد؟ در سال ۱۹۹۸ با توجه به وجود برخی ظرفیت‌های به جای مانده از زمان شوروی، روسیه توانست مشکلات را پشت سر بگذارد اما اکنون دیگر ظرفیت تولیدی روسیه فرسوده و قدیمی شده و این کشور به جای سرمایه‌گذاری در زمینه زیرساخت‌ها، بهداشت و آموزش و غیره تمام درآمدها را صرف مسایل خارج از کشور می‌نماید.

اوستیای جنوبی دارای ۱۵ هزار نفر و آبخازیا دارای ۱۶۰ هزار نفر جمعیت می‌باشند که در میان آنها ارمنی‌ها بیشترین تعداد را دارند و پس از آنها گرجی‌ها و آبخازی‌ها قرار دارند. در اوستیای جنوبی ۴ هزار نفر نیروی روس مستقر هستند. لذا چطور ممکن است که منطقه‌ای با جمعیت ۱۵ هزار نفر تبدیل به یک کشور شود؟ در این مناطق برخی‌ها گرجی نیستند ولی به گرجستان متعهد هستند. دولت گرجستان برای آنها محل سکونت و دیگر تمهیدات لازم را اندیشیده به نحوی که حدود ۳۵ هزار نفر آنها را در مدت ۱۵ روز تغییر مکان داده و برای آنان منزل مسکونی فراهم کرد. اکنون با مساعدت جامعه بین‌الملل وضعیت گرجستان بهتر گردیده و اگر دوباره حمله نظامی از سوی روسیه صورت نگیرد، گرجستان می‌تواند جزو کشورهایی باشد که با موفقیت بحران را پشت سر گذاشته است.

اقتصاد گرجستان بسیار لیبرال است و در مقایسه با اروپا از لحاظ نرخ فساد مالی و اقتصادی بسیار پایین‌تر از کشورهای اروپایی است و می‌تواند کشوری جذاب برای سرمایه‌گذاری خارجی شود. با وجود مشکلات مالی ناشی از جنگ اخیر، پیش‌بینی شده است که گرجستان از پیشرفت اقتصادی برخوردار باشد. چالش‌ها همیشه وجود دارند و آنها می‌توانند منشا داخلی و خارجی داشته باشند. گرجستان مصمم به اصلاحات اقتصادی است و می‌خواهد طرح تحول اقتصادی را اجرا نماید. گرجستان کشوری مستقل است که اولویت

خود را تامین رفاه مردم قرار داده است. برخی می‌گویند که انقلاب در گرجستان توسط آمریکایی‌ها صورت گرفت که البته این حرفی غیر منطقی است، زیرا خود آمریکایی‌ها با آن انقلاب مخالف بودند.

پس از سخنرانی ایشان به سؤالات حاضرین پاسخ داد.

سؤال: در رابطه با این مناقشه گرجستان و روسیه، آقای وزیر روسیه را ناکام خواندند. در حالی که اگر از منظر روسها به قضیه نگاه کنیم، خواهیم دید که روسها عملاً انضمام آن منطقه به خاک خود را هدف نمی‌دانستند بلکه حفظ جان شهروندان دارای تابعیت روس را هدف خود در مقابله با گرجستان اعلام کردند. از سوی دیگر جلوگیری از گسترش ناتو به گرجستان را مد نظر داشتند. بنابراین ملاحظه می‌کنید که روسها به اهداف خود دست یافته‌اند. نکته دیگر حضور ناتو، افسران آمریکایی و اسرائیلی در گرجستان بود که روسها اعتقاد داشتند این مسئله با طراحی قبلی با کمک اسرائیل بوده است تا در صورت پیوستن گرجستان به ناتو، گرجستان اوستیای جنوبی را به کشور خود منظم نماید. ضمناً خبرهایی مبنی بر حضور گسترده اسرائیلی‌ها در گرجستان بوده است که این مسئله امری عادی تلقی نمی‌شود و حتی شایعاتی مبنی بر حمله اسرائیل از آنجا به ایران در ازای الحاق گرجستان به ناتو مطرح گردید.

آقای یاکوباشویلی: هنوز جنگ تبلیغاتی روسیه وجود دارد و به شما اطمینان می‌دهم که یک پایگاه اسرائیلی در گرجستان وجود ندارد و حتی در خصوص مناطق اوستیا و آبخازیا ما با روسها توافقنامه امضا کردیم که پایگاه نظامی طرفین در این مناطق وجود نداشته باشد. روسها در ابتدای جنگ گفتند که گرجی‌ها دو هزار نفر از مردم اوستیا را کشتند و بعد از یک ماه و نیم و بر اساس تحقیقات دادستان روسیه مشخص شد که در کل جنگ ۱۴۷ نفر اوستیایی کشته شدند که این نشان‌دهنده اختلاف بسیار است. در حال حاضر ۳۰۰ هزار روس در انگلستان، نیم میلیون روس در اسرائیل و ۲۰۰ هزار روس در آمریکا زندگی می‌کنند. چرا روسها از حقوق آنها دفاع نمی‌کنند؟ لذا بحث دفاع از شهروندان روس یک اقدام تبلیغی است و آنها می‌خواهند فقط به جامعه بین‌الملل جوابی داده باشند. ما مکانیزم‌ها و ساز و کارهایی داریم که ثابت می‌کند اقدامات روسیه و حملات نظامی حتی برای دفاع از حقوق شهروندی با قوانین بین‌المللی مغایرت دارد. روسها در این جنگ اعلام کردند که ۶۰ نفر سرباز روس و ۴ فروند هواپیما را از دست داده‌اند، این در حالی است که

۲۳۰۰ نظامی روس در این جنگ کشته شده و ۱۷ فروند هواپیمای روسی سرنگون شدند. در رسانه‌های روسی طوری تبلیغ می‌کردند که آنها جنگ را فرماندهی می‌کنند و اعلام داشتند که گرجی‌ها سه دره را با استفاده از موشک‌های گراد بمباران کردند، این در حالی است که گرجی‌ها اصلاً از این نوع موشک‌ها استفاده نکرده‌اند. روسها تصاویری مبنی بر شلیک موشک‌های گراد در شب نشان دادند و می‌گفتند که از سوی گرجی‌ها شلیک می‌شود که در پاسخ باید گفت از کجا معلوم است این موشک‌ها متعلق به گرجستان باشد؟ از هر جایی در دنیا می‌شود این موشک‌ها شلیک شده باشند و حتی روسها اعلام داشتند که آمریکایی‌ها در این جنگ مشارکت داشتند.

آیا روس‌ها واقعاً به اهداف خود رسیده‌اند و آیا از گسترش ناتو جلوگیری شده است؟ هم اکنون شورایی بین گرجستان و ناتو ایجاد شده و گرجستان متعهد شده است که به ناتو بپیوندد. حضور آمریکایی‌ها صرفاً برای آموزش نیروهای گرجی که قصد اعزام به عراق را دارند، می‌باشد و نیروهای گرجی در عملیات‌های گشت‌زنی و کنترل مرزهای عراق شرکت دارند. همچنین بسیاری از پزشکان گرجی نیز در عراق حضور داشتند. در خصوص همکاری با اسرائیل لازم است بگویم که چرا روسها خود با اسرائیل قرارداد نظامی دارند و می‌خواهند از اسرائیل اسلحه خریداری نمایند؟ در خصوص اخبار رسانه‌ها مبنی بر استقرار پایگاه‌های نظامی اسرائیل در خاک گرجستان باید بدانیم که گرجستان مایل نیست پایگاه‌های نظامی علیه همسایگان آن در خاک کشورش وجود داشته باشد.

سؤال: به نظر می‌رسد آقای ساکاشویلی یک نوع استنباط غلط از حمایت غرب داشت. چند روز پس از مناقشه، خانم رایس با آقای ساکاشویلی مصاحبه مطبوعاتی داشت و در آنجا آقای ساکاشویلی احساساتی صحبت نمود و اظهار داشت که من راجع به تحرکات روسیه بارها و بارها به اروپایی‌ها گفته‌ام. با توجه به اینکه آقای سارکوزی نیز جنگ را به گونه‌ای به نفع روس‌ها به پایان رساند، تفاوت بین اروپا و آمریکا در این مناقشه و نیز میزان حمایت آنها از گرجستان چه بوده است؟

آقای یاکوباشویلی: اینجانب در تمام ملاقات‌ها و مصاحبه‌ها پس از جنگ حضور داشتم و اختلافات نظرهایی نیز وجود داشت. البته گرجستان امیدوار بود، اروپایی‌ها واکنش بیشتری نسبت به این قضیه نشان دهند. اقدامات روسیه علیه آمریکا نبوده است و نمی‌باشد بلکه اقداماتش به نوعی علیه اروپا است و می‌خواهد در مقابل اروپایی‌ها قد علم کند. روسیه

با تصمیمات یکجانبه می‌خواهد از طریق نظامی مرزهای کشورهای را تعیین کند. در اروپا دو دیدگاه اروپای قدیم و اروپای جدید وجود دارد. برخی اروپایی‌ها همچون لهستان هنوز تهاجمات روسیه را در خاطر دارند و برخی دیگر در نظر دارند که آن را به فراموشی بسپارند. اتحادیه اروپا یک کشور نمی‌باشد بلکه ترکیبی از کشورهای اروپایی است که رسیدن به اجماع در آن بسیار مشکل است. پیامدهای پس از جنگ برای اروپاییها قابل پیش‌بینی نبود و اکنون حضور ناظران اروپایی در منطقه بسیار دلگرم‌کننده است. در میان نهادهایی مانند اتحادیه اروپا و سازمان ملل، روسیه با توجه به داشتن حق وتو در سازمان ملل بسیار تاثیرگذار است ولی در اتحادیه اروپا روسیه نمی‌تواند تاثیرگذار باشد. اکنون یکی از موانع جدید برای روسیه، حضور ناظران اروپایی در منطقه می‌باشد. هرچند که اعتقاد چندانی به حضور نیروی نظامی اتحادیه اروپا وجود ندارد اما قابلیت انجام بسیاری از امور از طریق آن اتحادیه وجود دارد و اکنون سیاست اتحادیه، عدم به رسمیت شناختن آبخازیا و اوستیای جنوبی می‌باشد.

سؤال: شما در سخنان خود گفتید که علت تجاوز روسیه به گرجستان نوعی بازگشت روسیه به اقتدار ملی بوده است. البته این امری طبیعی است که هر کشوری به قدرت می‌رسد، بخواهد اقتدار خود را به مردم و منطقه نشان دهد. اما مسئله این است، چرا کشوری همچون گرجستان که قبلاً محل ایجاد چندین انقلاب مخملی بوده است، اکنون مورد انتخاب و توجه روسیه قرار گرفته است؟ برای پاسخ به این سؤال باید توجه داشت که برای انجام هر تهاجمی باید سه اصل وجود داشته باشد:

۱. اگر در میان مردم و فضای داخلی و عمومی کشوری که مورد تجاوز واقع خواهد شد، آمادگی و تمایل انجام تجاوز وجود نداشته باشد، انجام تجاوز بسیار بعید به نظر می‌رسد و معمولاً کشورهای که دارای ثبات سیاسی، پایگاه ملی و حمایت منطقه‌ای و بین‌المللی نیستند، مورد تجاوز قرار می‌گیرند.

۲. اگر افکار عمومی و بین‌المللی آمادگی پذیرش تجاوزی را نداشته باشند، انجام آن تجاوز بسیار سخت می‌باشد و در آن دوران اوضاع گرجستان تمایل به جهاتی داشت که سیاست منطقه آمادگی پذیرش آنها را نداشت.

۳. کشوری مورد تجاوز قرار خواهد گرفت که خود زمینه‌ساز حضور کشور متجاوز از طریق فراهم آوردن زمینه‌هایی همچون تحریکات نظامی، قومی و امنیتی شود. لذا چون در

گرجستان این گونه تحریکات وجود داشت، روس‌ها آنها را مورد اتهام قرار داده و البته حتی برخی از سیاستمداران گذشته گرجستان همچون ادوارد شواردناده نیز از سیاست‌های دولت گرجستان در این زمینه انتقاد نمودند.

با توجه به عدم حمایت متحدان اروپایی و آمریکایی گرجستان در این جنگ به نظر می‌رسد که این وضعیت بر اساس تفاهم و هماهنگی‌های بین‌المللی میان قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای صورت گرفته است.

آقای یاکوباشویلی: ضمن تایید سه اصل عنوان شده، روس‌ها گمان می‌کردند که این سه اصل تحقق یافته است اما در پایان ناامید شدند. در خصوص انتخاب گرجستان برای روس‌ها، باید بدانیم که چون دیگر کشورها مثل اوکراین، ارمنستان، آذربایجان و کشورهای آسیای مرکزی از نظر نظامی برای روس‌ها خطرآفرین هستند، گزینه گرجستان مورد توجه روس‌ها قرار گرفت و البته تحریکات و زمینه‌هایی چون تجزیه طلبی در این منطقه وجود داشت. در یک جنگ نظامی، پیروزی کافی نیست و پس از آن باید سندی امضا شود و طرف شکست خورده زیر بار برخی تعهدات برود. ولی در این جنگ چنین اتفاقی رخ نداد و روس‌ها نتوانستند مدرک و سندی برای تحمیل برخی تعهدات به گرجستان به امضا برسانند. نتیجه مهم این است که این جنگ برنده‌ای نداشت و نه روس‌ها و نه گرجی‌ها و نه اوستیایی‌ها را نمی‌توان برنده جنگ اعلام کرد و این بدین معنی است که این مناقشه هنوز پایان نپذیرفته است. با توجه به هزینه گزاف روس‌ها در این جنگ، هیچ فایده‌ای برای آنها در بر نداشت.

سؤال: آیا تغییری در سیاست خارجی آینده گرجستان جدای از مسئله آمدن اوپاما و در حقیقت با توجه به موقعیت ژئوپلتیک گرجستان در منطقه وجود خواهد داشت؟ برای بهره‌مندی کشورهای منطقه از منابع و ثروت‌های آن منطقه و نیز ایجاد وضعیت ثبات هر یک از کشورها پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، روش‌های مختلفی را می‌توان در نظر گرفت. اولین روش این است که کشورهای منطقه بخواهند از طریق خودشان از وضعیت موجود بهره‌برداری نمایند که در این وضعیت با توجه به قدرت هژمونی روسیه در منطقه، مسکو سهم بیشتری خواهد داشت. حالت دوم استفاده از نیروی خارجی در منطقه می‌باشد که اگر در این مورد میان کشورهای منطقه اجماع صورت نگیرد و یا اینکه نیروی خارجی در موقع لزوم مساعدت ننماید، مشکل ایجاد خواهد شد. حالت سوم این است که با توجه به

قدرت کشورهای مثل ایران در منطقه، یک ائتلاف در منطقه شکل می‌گرفت و از طریق این ائتلاف به جای منازعه با روسیه حقوق گرجستان تامین می‌گردید.

سپس از سوی دیگر حاضرین سوالاتی به شرح زیر به ترتیب طرح شد و در ادامه، آقای یاکوباشویلی به این سؤالات پاسخ جمعی دادند.

۱. با توجه به آینده اقتصادی گرجستان و فارغ از اوضاع جاری، آینده امنیتی آن کشور چگونه خواهد بود؟

۲. آیا با روی کار آمدن دولت جدید آمریکا، تغییراتی در خصوص روابط آمریکا با روسیه در قبال گرجستان صورت خواهد پذیرفت؟

۳. ماهیت روابط گرجستان با آمریکا چگونه است و آمریکایی‌ها در آن کشور به دنبال چه چیزی می‌باشند؟ از آنجا که آمریکایی‌ها همواره در روابط خود با کشورهای منطقه دارای نگاه ضد ایرانی هستند، نگاه ضد ایرانی آمریکا در گرجستان به چه صورت می‌باشد؟

۴. آمریکایی‌ها سعی در گسترش ناتو به سمت منطقه و گرجستان دارند. با توجه به اینکه ناتو در منطقه و به ویژه افغانستان فاقد کارایی نشان داده است، چرا گرجی‌ها در تلاشند تا به این سازمان ناکارآمد بپیوندند؟ و آیا زمان آن نرسیده است که وارد یک نوع ترتیبات منطقه‌ای با حضور کشورهای مثل ایران شوند؟

۵. تاثیر گذاری جنگ گرجستان بر اوضاع داخلی آن کشور چگونه بوده است؟ از آنجا که این جنگ منجر شد تا مخالفان آقای ساکاشویلی به عاملی شتاب‌زا در سیر تحولات داخلی گرجستان تبدیل شوند، ارزیابی تحولات داخلی گرجستان پس از جنگ چگونه است؟

آقای یاکوباشویلی: « جوزف نای » نظریه پرداز مفهوم «قدرت نرم» است و می‌گوید: امنیت مثل اکسیژن است، چنانچه اکسیژن وجود دارد هیچ کس متوجه آن نمی‌شود و وقتی اکسیژن نباشد، احساس خفگی خواهید کرد. در خصوص امنیت لازم است تا به نحوی و توسط کسی تولید شود و آیا کشورهای منطقه قادر به ایجاد آن هستند؟ متأسفانه این امکان با توجه به اینکه در قفقاز جنوبی دو کشور با هم نزاع می‌کنند، میسر نیست. مشکل روسیه به نوعی شبیه مشکل قدرت نرم است. گرجستان بحث‌های بسیاری با روسیه در خصوص اینکه چرا گرجستان در جهت منافع روسیه باشد، داشته است و در واقع آنها نوعی حکمرانی را به ما پیشنهاد می‌کنند که این موضوع برای ما مفید نیست. با توجه به چند فرهنگی و چند قومی مناطق آبخازیا و اوستیا باید همگرایی بر پایه دموکراسی در این

منطقه ایجاد شود و تقسیم قدرت با قومیت دیگر برای اداره کشور امری صحیح می‌باشد. ما هرگز نتوانستیم بفهمیم که منافع روسیه در گرجستان چیست؟ روس‌ها به گرجستان می‌گویند که به ناتو ملحق نشوند و در مقابل گرجستان به آنها اعلام داشت که اگر به ناتو ملحق نشود، آیا روسها آبخازیا و اوستیا را به گرجستان می‌دهند و در پاسخ آنها اعلام داشتند که نه و فقط به مذاکره با رهبران جدایی طلب گرجستان مساعدت خواهند کرد.

در خصوص اینکه چرا روس‌ها از ناتو خوششان نمی‌آید، هرگز پاسخ واقع‌گرایانه‌ای دریافت نکردیم و به نظر می‌رسد که روسها دنبال منافع بیشتر هستند. در خصوص اینکه آیا روسیه می‌تواند در جهت تجهیز ارتش گرجستان کمک نماید از روسها سؤال شد و آنها در پاسخ اعلام داشتند که شما می‌توانید افسران خود را به مدارس نظامی روسیه اعزام نمایید و این در حالی است که آنها خود در صدد به روز کردن تجهیزات نظامی خود هستند. چگونه گرجستان می‌تواند از یک سیستم نظامی فرسوده نسخه برداری نماید؟ از لحاظ امنیتی نیز روس‌ها نمی‌توانند چیز قابل توجهی به گرجستان ارائه نمایند. اکنون سرمایه‌گذاران بزرگی از آمریکا، اروپا، قزاقستان، امارات متحده عربی، ترکیه و حتی روسیه در گرجستان حضور دارند و اگر گرجستان بخواهد سرمایه‌گذاران را جذب نماید نباید حتماً به سمت روسیه برود. پول روس‌ها برای گرجستان دارای هزینه سیاسی است و روسیه کشوری جذاب برای گرجی‌ها نیست. روس‌ها جنگ را بر علیه گرجستان آغاز کردند و حتی قبل از آغاز جنگ کالاهای گرجی را تحریم کرده و گرجستان را از لحاظ ارتباطات هوایی، پستی، کالا و روادید در تحریم قرار دادند.

اگر جمهوری اسلامی ایران ترتیبات امنیتی با گرجستان داشته باشد و بتواند از تمامیت ارضی آن کشور حمایت نماید، از همکاری با ایران استقبال خواهد شد. در خصوص روابط آمریکا و روسیه همانطور که مقامات آمریکایی مثل جو بایدن معاون اول رئیس جمهور آمریکا اعلام کرد منافع روسیه و آمریکا با توجه به منافع گرجستان توسعه نخواهد یافت و آمریکا هرگز این دو منطقه را به رسمیت نخواهد شناخت. البته هنوز دولت جدید آمریکا روی کار نیامده است. کمک یک میلیارد دلاری آمریکا توسط جو بایدن دمکرات و نه شخص بوش ارائه شد و این نشان دهنده اهمیت گرجستان برای آمریکا می‌باشد. منافع آمریکا ۳ حوزه دمکراسی، انرژی و امنیت را در بر می‌گیرد. آمریکایی‌ها و بخصوص دمکرات‌ها می‌خواهند دمکراسی را در جهان ارتقا بخشند و یکی از مصادیق دمکراسی در گرجستان در

بحث انرژی است که گرجستان می‌تواند مسیر عبور انرژی در منطقه باشد و حتی می‌تواند انرژی ایران را به اروپا منتقل نماید.

اگر آمریکا بخواهد به ایران دست یابد نیازی به گرجستان ندارد و گرجستان در حال حاضر مسیر ترانزیت برای استفاده ناتو در قبال افغانستان می‌باشد. ناتو تنها سازمانی است که امنیت را تامین کرده و در منطقه و نیز در اروپای غربی و شرقی مؤثر بوده است. یکسری اصلاحات در کشورها به خاطر ناتو انجام شده است. ناتو سازمانی بر علیه ایران نیست و با وجود ترکیه، در صورت الحاق گرجستان به ناتو مشکلی دو چندان برای ایران بوجود نخواهد آمد.

اولویت سیاست خارجی گرجستان هیچ تغییری نکرده است و گرجستان حق انتخاب زیادی ندارد. در سیاست خارجی گرجستان مسئله الحاق کشور به نهادهای اروپایی و نیز ضرورت روابط دوستانه با کشورهای همسایه از جمله روسیه از اولویت برخوردار است. لازمه همکاری روسیه با گرجستان، ایجاد تغییر و تحول در سیاست روسیه است. در خصوص مسایل داخلی گرجستان باید بدانیم که استفاده مخالفان دولت گرجستان از وضعیت پیش آمده امری عاقلانه می‌باشد. البته به نظر نمی‌رسد آنها موفق به سرنگونی دولت شوند و بحث‌های مطرح شده توسط آنها بسیار ضعیف است. بر اساس نظرسنجی‌ها، آقای ساکاشویلی هنوز در صدر قرار دارد. در کشور گرجستان احزاب و نهادهای مختلفی می‌توانند فعالیت کنند و برای فرهنگ دموکراتیک این وضعیت بسیار مطلوب می‌باشد. گرجستان کشوری دموکراتیک است و ایده‌های مختلف می‌توانند در آن کشور وجود داشته باشند.

ستاره ملک آسا - امیر رضانی

مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز